

بسم الله الرحمن الرحيم

درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام آیت الله اراکی «جلسه ۵۷»

سال تحصیلی ۹۸-۹۹

روایت چهارم در تعیین حدّ کمی تأمین فقیر:

مرحوم صدوق روایت می‌کند: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي مَعَانِي الْأَخْبَارِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَمَّنْ سَمِعَهُ وَقَدْ سَمَّاهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الزَّكَاةِ مَا يَأْخُذُ مِنْهَا الرَّجُلُ وَقُلْتُ لَهُ إِنَّهُ بَلَّغَنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، قَالَ أَيُّمَا رَجُلٍ تَرَكَ دِينَارَيْنِ فَهُمَا كَيِّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ»

سائل از این قول حضرت رسول صلی الله علیه و آله سوال می‌کند: کسی از دنیا برود و دو دینار اضافی داشته باشد بین چشمان او را داغ می‌کنند.

«قَالَ فَقَالَ أُولَئِكَ قَوْمٌ كَانُوا أَضْيَافاً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ، فَإِذَا أَمْسَى. قَالَ يَا فُلَانُ إِذْهَبْ فَعَشِّ هَذَا وَإِذَا أَصْبَحَ قَالَ يَا فُلَانُ إِذْهَبْ فَعَدَّ هَذَا فَلَمْ يَكُونُوا يَخَافُونَ أَنْ يُصْبِحُوا بِغَيْرِ غَدَاءٍ وَلَا يَغِيرُ عَشَاءٍ فَجَمَعَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ دِينَارَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِيهِ هَذِهِ الْمَقَالَةُ»

حضرت در پاسخ فرمودند که آنها قومی بودند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله کسی را مأمور کرده بود که هر روز به آنها غذا بدهد و آنها را تأمین می‌کرد و غذای آنها را هر روز می‌داد و یکی از آنها که از ناحیه دولت تأمین شده بود، دو دینار برای پس انداز خود گرفت، نه برای تأمین معاش و لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله این جمله را فرمود.

و شاهد ما این عبارت است: «فَإِنَّ النَّاسَ إِنَّمَا يُعْطَوْنَ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ فَلِلرَّجُلِ أَنْ يَأْخُذَ مَا يَكْفِيهِ وَيَكْفِي عِيَالَهُ مِنَ السَّنَةِ إِلَى السَّنَةِ^۱».

معیار و حدّ کیفی در تأمین فقیر:

^۱ . وسائل الشیعه: ج ۹، ص ۲۶۰.

معیار کیفی که همان حدّ رفاه متوسط اجتماعی است در سه دسته از روایت وجود دارد: یک دسته روایات، روایاتی است که بیان می‌کند زکات باید به فقیر به حدّی داده شود که به غناء برسد؛ دسته دوم دسته‌ای است که با تعبیر توسعه آمده یعنی فقیر در سعه به سر ببرد و در تنگنا نباشد؛ و دسته سوم روایاتی است که «حتی یلحقهم بالناس» در آنها آمده یعنی آنقدری باید به فقیر داد که فقیر به حدّ متوسط مردم دست پیدا کند. که از مجموع این سه دسته استفاده می‌کنیم که باید به حدّ ریشه کن سازی فقر فقیر به او داد تا در رفاه به سر ببرد و وضع او باید سالانه بررسی شود و برای او تأمین معاش سال صورت بگیرد.

دسته اول که روایات فراوانی با این تعبیر وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- صحیحہ سعید بن غضبان که سند صحیح است: «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: تُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ حَتَّى تُغْنِيَهُ»^۱.
- روایت دیگری که از لحاظ سندی روایت معتبری است: «وَعَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقِ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ سُئِلَ كَمْ يُعْطَى الرَّجُلُ مِنَ الزَّكَاةِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أُعْطِيَ فَأَغْنَاهُ»^۲؛ این روایت دلالت بر وجوب به اغناء دارد.
- روایت دیگر که به نظر می‌رسد همان روایات اول است با یک اضافه‌ای که دارد: «وَيُؤْتَاهُ مِنَ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ كَمْ يُعْطَى الرَّجُلُ الْوَاحِدُ مِنَ الزَّكَاةِ قَالَ: أُعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ حَتَّى تُغْنِيَهُ»^۳.

^۱ . همان: ص ۲۵۸.

^۲ . همان: ص ۲۵۹.

^۳ . همان.

- روایت دیگر: «و بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الصَّفْرِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّؤْلُؤِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أُعْطِيَ الرَّجُلَ مِنَ الزَّكَاةِ مِائَةً دِرْهَمٍ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ مِائَتَيْنِ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ ثَلَاثِمِائَةً قَالَ نَعَمْ قُلْتُ أَرْبَعِمِائَةً قَالَ نَعَمْ قُلْتُ خَمْسِمِائَةً قَالَ نَعَمْ حَتَّى تُغْنِيَهُ»^۱.

دسته دوم روایات سعه در معاش است که به چند روایت اشاره می‌کنیم:

- مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ أَبُوهُ أَوْ عَمُّهُ أَوْ أَخُوهُ يَكْفِيهِ مِئَتُهُ أَوْ يَأْخُذُ مِنَ الزَّكَاةِ فَيَتَوَسَّعَ بِهِ إِنْ كَانُوا لَا يُوسَّعُونَ عَلَيْهِ فِي كُلِّ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فَقَالَ لَا بَأْسَ^۲.

در اینجا با اینکه کفایت معونه شده است؛ لکن حضرت کفایت معونه را کافی نمی‌داند و برای سعه در معونه می‌فرماید اشکالی ندارد از زکات بگیرد؛ معلوم می‌شود که آن حدی که باید فقیر تأمین شود، تنها کفایت معونه نیست؛ بلکه علاوه بر کفایت معونه و ضرورت‌های زندگی، فقیر می‌تواند برای توسعه زندگی نیز زکات دریافت کند و قدر متیقن از توسعه این است که خودش را به حد متوسط جامعه برساند.

- مرحوم کلینی روایت کرده است: «وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَابْنُ بَصِيرٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ إِنَّ لَنَا صَدِيقًا إِلَى أَنْ قَالَ: وَلَهُ دَارٌ تَسْوَى أَرْبَعَةِ آلَافٍ دِرْهَمٍ وَلَهُ جَارِيَةٌ وَلَهُ غُلَامٌ يَسْتَقِي عَلَى الْجَمَلِ كُلِّ يَوْمٍ مَا بَيْنَ الدَّرْهَمَيْنِ إِلَى الْأَرْبَعَةِ سِوَى غُلْفِ الْجَمَلِ وَلَهُ عِيَالٌ أَلَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ قَالَ نَعَمْ قَالَ وَلَهُ هَذِهِ الْعُرُوضُ (در حالی که این ملک‌ها را دارد؟) فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ فَتَأْمُرُنِي أَنْ أَمُرَهُ بِبَيْعِ دَارِهِ وَهِيَ عِزُّهُ وَمَسْقَطُ رَأْسِهِ (أَوْ بِبَيْعِ خَادِمِهِ الَّذِي يَقِيهِ) الْحَرَّ وَالْبَرْدَ وَيَصُونُ وَجْهَهُ وَوَجْهَ عِيَالِهِ أَوْ أَمُرَهُ

^۱. همان: ص ۲۶۰.

^۲. همان: ص ۲۳۸.

أَنْ يَبِيعَ غُلَامَهُ وَجَمَلَهُ وَهُوَ مَعِيشَتُهُ وَفُوتُهُ بَلْ يَأْخُذَ الزَّكَاةَ فَهِيَ لَهُ حَلَالٌ
وَلَا يَبِيعُ ذَارَهُ وَلَا غُلَامَهُ وَلَا جَمَلَهُ.^۱

اگرچه این روایت به صراحت روایت قبل نیست؛ لکن این روایت تایید می‌کند این مطلب را که برای اخذ زکات حدّ این نیست که در حد نیازهای ضروری شخص به او بدهند؛ بلکه افزون بر نیاز ضروری هم حق دارد از زکات بگیرد.

دسته سوم از روایات که البته یک روایت است:

- مرحوم صدوق و کلینی روایت می‌کنند: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ لَهُ ثَمَانِيَّةٌ دِرْهَمٍ وَهُوَ رَجُلٌ خَفَافٌ (كفّاش) وَلَهُ عِيَالٌ كَثِيرٌ أَلَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَقَالَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَتَزِيحُ فِي دَرَاهِمِهِ مَا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ وَيَفْضُلُ قَالَ نَعَمْ قَالَ كَمْ يَفْضُلُ قَالَ لَا أَدْرِي قَالَ إِنْ كَانَ يَفْضُلُ عَنِ الْقُوتِ مِقْدَارُ نِصْفِ الْقُوتِ فَلَا يَأْخُذُ الزَّكَاةَ وَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ نِصْفِ الْقُوتِ أَخَذَ الزَّكَاةَ» یعنی اگر در آمدی که از این مال دارد به علاوه تأمین معاش سالانه او، به اندازه نصف آن بیشتر برای او باقی می‌ماند نباید زکات بگیرد اما اگر به علاوه تأمین معاش او کمتر از نصف آن برای او بماند، می‌تواند زکات بگیرد.

«قَالَ قُلْتُ: فَعَلَيْهِ فِي مَالِهِ زَكَاةٌ تَلْزِمُهُ؟ قَالَ بَلَى قَالَ قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ يُوسِّعُ بِهَا عَلَى عِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَكِسْوَتِهِمْ وَيُنْفِي مِنْهَا شَيْئاً يُنَاقِلُهُ غَيْرَهُمْ وَمَا أَخَذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَضَّهُ عَلَى عِيَالِهِ حَتَّى يُلْحِقَهُمُ بِالنَّاسِ».

وَرَوَاهُ الْكَلْبِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ: نَحْوُهُ.^۲

هر دو سند خالی از اشکال نیست؛ لکن این روایت چون مضمون آن اجمالاً با روایات دیگر تایید شده است؛ لذا می‌توان اطمینان به صدور آن داشت و عبارت «حَتَّى يُلْحِقَهُمُ بِالنَّاسِ» تایید می‌کند آنچه در

^۱ . همان: ص ۲۳۶.

^۲ . همان: ص ۲۳۲.

روایات قبل آمده بود و بیشتر توضیح می‌دهد که مراد از اغناء و توسعه بر عیال چیست و قدر متیقن از توسعه در این روایت ذکر شد و اگر این روایت هم نمی‌بود روایات دیگر کافی بود برای رساندن این معنا. از مجموع این سه دسته از روایات استفاده می‌کنیم که در عدل اقتصادی، حکومت اسلامی وظیفه دارد که سطح معاش طبقه پایین را آنقدری بالا ببرد که از سطح متوسط جامعه پایین‌تر نباشد، و معنایش این است که فقر اجتماعی باید زدوده شده و ریشه کن شود و نباید کسی که سطح زندگی‌اش از متوسط سطح زندگی مردم جامعه پایین‌تر باشد، در جامعه وجود داشته باشد.

پایان